

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

جوهر معنی

من ترا مظهر ، پاکی و صفا می بینم
جوهر واژه تدبیر بقا می بینم
چلچراغ دل و ، مهتاب شب باخردان
نور روشنگر حق ، وجه ترا می بینم
درج پُر گوهر تفسیر و معانیست ترا
فاضل و ، عالم و ، فخر فقها می بینم
پرده وهم ، دری ، با هنر منطق و علم
تیغ گفتار تو ، شمشیر طلا می بینم
بار اول کآه شنیدم ز تو ، برهان و دلیل
از همان روز ، مقامت ، به سما می بینم
سخن و حرف خوشت ، جوهر معنا دارد
دم عیسانست ، که بی چون و چرا می بینم
شکر لحن تو شد ، فارق حق ، از باطل
به کلامت محک ، جود و سخا می بینم
آنقدر ماهر و باعرضه و با تدبیری
مشکلات همه را ، از تو گشای می بینم
دیگران را پی سیم و زر و یا شهرت و نام
غرق عصیان شده ، در راه خطا می بینم
زانکه این طایفه ، از دین ، تجارت دارند

بندهٔ وهم و ، به حق کرده جفا می بینم
پی تخریب تو ، شمران و یزیدان کوشا
همه را خیره سر و بی سر و پا می بینم
روزی در مسجدِ انصار پس از ختم نماز
در غیابت سخن از بادِ هوا می بینم
تو که "محمود وثیق"ی و وثاقت داری
جُهلاً ضدِ تو ، ایستاده به پا می بینم
ترس دارم کتّه مبادا خللی بر تو رسد
حکمِ تکفیرِ تو از اهلِ شقا می بینم
ای برادر نه هراسی ، که حقیقت با تست
حافظ و ناصرتِ الحق که ، خدا می بینم
« نعمت » اخلاص به تو دارد و بر باورِ تو
هرچه گوئی بخدا حق و بجا می بینم